

Examining the challenges and providing solutions to improve the economy of education with the focus on education in conservatories

Ali Framarzy

PhD student in Educational Sciences, Islamic Azad university, Roudehen. Kermanshah, Iran.
(Corresponding Author). faramarzyali@gmail.com

Fariba Hanifi

Assistant Professor, Department of Educational Sciences and Counseling, Islamic Azad University, Rodehen Branch, Kermanshah, Iran.
F.hanifi95@gmail.com

Abstract:

This article is compiled with the aim of examining the challenges and providing solutions to improve the economy of education, especially in the field of conservatories. Currently, upgrading the economic and social status of conservatories, as technical and professional training centers is considered very important. Investigating and identifying issues, problems, deficiencies and necessities in the education system can help to increase the quality and efficiency of the system. According to the needs of the industry and the labor market, the development of production and practical skills in the students of the conservatories, a significant improvement is brought about in the economy of education. Therefore, in this article, various strategies for the economic promotion of conservatories are presented, including the connection of conservatory education with the labor market and industry, strategies for the development of education along with production in conservatories, the development of commercial training programs, cooperation with industry and the labor market, promoting entrepreneurship and creating business related issues, development of technological infrastructure, and promotion of economic and managerial skills with the purpose of improving the economy of education by focusing on training with production in conservatories, leading to help students learn the skills and knowledge necessary to enter the market work

Keywords: economy, technology, education, training with production, conservatories

بررسی چالش‌ها و ارائه راهکارهایی برای بهبود اقتصاد آموزش و پرورش با محوریت آموزش در هنرستان‌ها

علی فرامرزی

دانشجوی دکتری علوم تربیتی دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن، کرمانشاه، ایران.

famarzyali@gmail.com. (نویسنده مسئول)

فربا حنیفی

استادیار گروه علوم تربیتی و مشاوره دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن، کرمانشاه، ایران.

F.hanifi95@gmail.com

این مقاله با هدف بررسی چالش‌ها و ارائه راهکارهایی برای بهبود اقتصاد آموزش و پرورش به ویژه در حوزه هنرستان‌ها تدوین شده است. در حال حاضر، ارتقاء وضعیت اقتصادی و اجتماعی هنرستان‌ها به عنوان مراکز آموزشی فنی و حرفه‌ای از اهمیت بسزایی برخوردار است. بررسی و شناسایی مسائل، مشکلات، نواقص و نیازهایی که در سیستم آموزش و پرورش وجود دارد، می‌تواند به افزایش کیفیت و کارایی این سیستم کمک کند. با توجه به نیازهای صنعت و بازار کار، توسعه مهارت‌های تولیدی و کاربردی در دانش‌آموزان هنرستان‌ها، بهبود قابل توجهی در اقتصاد آموزش و پرورش ایجاد می‌شود. بنابراین در این مقاله، راهکارهای مختلفی برای ارتقاء اقتصادی هنرستان‌ها ارائه شده است که شامل ارتباط آموزش هنرستان با بازار کار و صنعت، راهکارهای توسعه آموزش همراه با تولید در هنرستان‌ها، توسعه برنامه‌های آموزشی تجاری، همکاری با صنعت و بازار کار، ترویج کارآفرینی و ایجاد کسب و کار، توسعه زیرساخت‌های فناوری، و ارتقاء مهارت‌های اقتصادی و مدیریتی که می‌تواند به بهبود اقتصاد آموزش و پرورش با تمرکز بر آموزش همراه با تولید در هنرستان‌ها، بهبود ببخشد و به دانش‌آموزان کمک کند تا به یادگیری مهارت‌ها و دانش‌های مورد نیاز برای ورود به بازار کار بپردازند.

کلیدواژه‌ها: اقتصاد، فناوری، آموزش و پرورش، آموزش همراه با تولید، هنرستان‌ها

سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان کرمانشاه

فصلنامه پیشرفت و توسعه استان کرمانشاه، دوره ۳، شماره ۳، ص ۵۳-۳۶

تاریخ ارسال: ۱۴۰۳/۰۴/۰۲ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۴/۲۰

۱- مقدمه

نقش اساسی تربیت و ارتقای سطح کیفیت نیروی انسانی بر عهده آموزش و پرورش است. این موضوع از حدود ۲۵۰ سال پیش مورد توجه اقتصاد دانان بوده است؛ بنابراین آموزش، بر پیشرفت و توسعه اقتصادی کشورها تأثیر داشته به طوری که عامل محوری رشد سریع و چشمگیر جوامع شده است. به دلیل اهمیت و گسترش امر آموزش در بین ملت‌ها، دولت‌ها وظیفه آموزش را بر عهده گرفتند و سبب شد بعد مالی و اقتصادی آموزش در برنامه‌ریزی لحاظ شود و آموزش و پرورش تبدیل به فرایندی گران با ابعاد اقتصادی شود. از طرفی دیگر، اقتصاددانان به آموزش از زاویه دیگر نیز توجه می‌کردند و آن تربیت و آموزش نیروی انسانی متخصص است؛ این موضوع، مشترک بین برنامه‌ریزی‌های اقتصادی و آموزشی شد. بر همین اساس مباحث آموزش و پرورش از جمله برنامه‌ریزی آموزشی، آموزش فنی و حرفه‌ای، آموزش بزرگسالان و ... نیز با اقتصاد آموزش و پرورش مرتبط می‌شوند.

نیاز به برنامه‌ریزی دقیق‌تری در هنگام سرمایه‌گذاری با توجه به منابع محدود فردی و اجتماعی، تعیین نرخ بازده در سطوح مختلف آموزشی و اهمیت آن برای تصمیم‌گیری فردی و اجتماعی ... وجود دارد. در این میان با توجه به این که هنرستان‌ها به عنوان مراکز آموزشی فنی و حرفه‌ای نقش بسیار مهمی در توسعه اقتصادی و اجتماعی کشورها دارند، با توجه به تغییرات رو به روی صنعت و بازار کار، ارتقاء مهارت‌های تولیدی و کاربردی دانش‌آموزان هنرستان‌ها از اهمیت بسیاری برخوردار است. در این مقاله سعی شده است به بررسی چالش‌ها و مشکلات موجود در حوزه آموزش هنرستانی پرداخته و راهکارهایی برای بهبود اقتصاد آموزش و پرورش با تأکید بر آموزش همراه با تولید مطرح کند.

۱- اقتصاد در آموزش و پرورش

در کشور ایران با توجه به اینکه بودجه اختصاصی به آموزش و پرورش جوابگوی نیازهای آن نیست، نزدیک به ۹۹ درصد بودجه صرف پرداخت حقوق و مزایای پرسنلی می‌شود؛ آن هم پرسنل ناراضی از حقوق دریافتی، و تنها یک درصد برای سایر امور از هزینه‌های آب و برق گرفته تا کیفیت بخشی به آموزش صرف می‌شود. البته این را نیز باید در نظر گرفت که دولت از منبع مالی کافی برخوردار نیست و با توجه به عواملی مثل نوسانات قیمت نفت و سایر متغیرهای اقتصادی، محدودیت‌ها و معذوریت‌هایی دارد (آقایی، ۱۳۹۹: ۱۰۱).

از آنجایی که بازدهی سرمایه‌گذاری در آموزش و پرورش بلندمدت است و آموزش و پرورش تقریباً با تمام نهادها و مناسبات جامعه، پیوند و ارتباط وسیع و متقابل دارد و بسیاری از آثار و نتایج سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی آن غیر مستقیم است؛ بنابراین نمی‌توان آن را به صورت یک بنگاه صرف اقتصادی دید و با معیارهای از پیش ساخته شده اقتصادی آن را ارزیابی کرد. پس بهتر این است که مفید بودن و تحلیل کارآیی نظام آموزشی در جامعه با توجه به چشم‌اندازهای توسعه اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی حاکم بر جامعه و با استفاده از روش‌ها و شاخص‌های متفاوت مورد بررسی قرار گیرد و نه صرفاً با شاخص‌های اقتصادی. با تشکیل معاونت اقتصاد آموزش و پرورش که محور آن تأمین منابع مالی و بهینه هزینه کردن، مشارکت نهادهای غیردولتی در تأمین منابع مالی

آموزش و پرورش و دیگر مباحث مالی است، می‌توان آموزش و پرورش را از این وضعیتی که هر سال گرفتار مسائل مالی است، نجات داد؛ زیرا تاکنون بیشترین نگاه در آموزش و پرورش به بودجه دولتی بوده است و نوع مدیریت آموزش و پرورش بودجه‌ای است نه سرمایه‌ای. این نگرش باید تغییر کند، این به آن معنا نیست که آموزش و پرورش از حمایت دولت برخوردار نباشد؛ بلکه به این معناست که مانند اکثر نقاط دنیا باید از همه ظرفیت‌های دستگاه‌ها و نهادهای کشور برای بهبود روند آموزش و پرورش استفاده شود (امیدی، ۱۳۹۸: ۲۵۰).

آموزش و پرورش، تنها متولی آموزش نیست و نقش سیاست‌گذاری دارد، نهاد تأثیرگذار آموزش و پرورش حتی در اجرا نیز نقش چندانی ندارد و بیشتر، نهادهای مردمی و عمومی هستند که باید در اجرا نیز کمک کنند، اگر این حرکت یعنی تغییر نگرش در جامعه صورت گیرد، مسأله مالی این نهاد نیز حل می‌شود که البته کار دشواری نیست؛ زیرا بسیاری از کشورها از این روند به نتایج خوبی دست یافته‌اند.

برای رسیدن به اهداف اقتصاد آموزش و پرورش باید مفهوم آن بهتر تبیین شود؛ هدف اصلی اقتصاد آموزش و پرورش پاسخ‌گویی به «چرایی» توجه به ابعاد اقتصادی در نظام تصمیم‌گیری آموزش و پرورش و بر اساس آن «چگونگی» بهره‌گیری صحیح از منابع برای به دست آوردن بهترین نتیجه است. به کلام ساده‌تر «هدف اقتصاد آموزش و پرورش کمک به کارآمدی اقتصاد نظام آموزش و پرورش و ارائه راهکارهایی برای ارتقاء سطح آن است»، «این هدف را به‌عنوان یک هدف کلی می‌توانی در نظر گرفت و آن را به‌صورت اهداف ریزتری شامل موارد ذیل ذکر کرد: «تعیین سطح هر کدام از منابع مالی آموزش (دولت، مردم، خود آموزش و پرورش)»، «تعیین اقتصادی‌ترین برنامه، ساختار و روش آموزشی و پرورشی»، «تنظیم برنامه تربیتی و تعدیل نیروی انسانی بر اساس نیاز بازار کار»، «تعیین موفقیت نظام آموزشی در رسیدن به هدف رفاه و آرامش انسان‌ها»، «اولویت‌بندی مقاطع تحصیلی مختلف و رشته‌های مختلف در تقسیم هزینه‌ها» است (حسینی، ۱۳۹۷).

در بررسی‌های اقتصاد آموزش و پرورش باید توجه داشت که هم نهاده (input) و هم بازده (output) نظام آموزش و پرورش به‌عنوان یک نظام تولیدی انسان است. آنچه که در اقتصاد آموزش و پرورش اهمیت خاصی پیدا می‌کند فایده و بازده است؛ بنابراین بازده کارکرد تولیدی تعلیم و تربیت را تقویت می‌نماید. در حالت کلی عوامل تقویت‌کننده سیستم اقتصاد در آموزش و پرورش می‌توانند عبارت باشند از:

جدول ۱. عوامل تقویت‌کننده سیستم اقتصاد در آموزش و پرورش

عوامل	توضیحات
سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های آموزشی	سرمایه‌گذاری در بهبود و به‌روزرسانی زیرساخت‌های آموزشی مانند ساختمان‌ها، تجهیزات، فناوری‌های آموزشی و منابع انسانی می‌تواند کیفیت و کارایی سیستم آموزش و پرورش را افزایش دهد.
توسعه مهارت‌های کاربردی	ارائه آموزش‌هایی که به توسعه مهارت‌های کاربردی و قابل اجرای دانش‌آموزان در بازار کار کمک کند، می‌تواند به توانمندی اقتصادی کشور کمک کند.
همکاری با صنعت و بازار کار	ایجاد روابط نزدیک با صنعت و بازار کار به منظور تطبیق برنامه‌های آموزشی با نیازهای صنعت و ایجاد فرصت‌های شغلی می‌تواند باعث افزایش ارتباط بین آموزش و بازار کار شود.

ترویج کارآفرینی	ترویج فرهنگ کارآفرینی در دانش‌آموزان و ارائه آموزش‌های مرتبط با کارآفرینی و مدیریت کسب و کار می‌تواند به توسعه اقتصادی کمک کند و باعث ایجاد فرصت‌های شغلی و تولید ارزش افزوده شود.
استفاده از فناوری‌های نوین	بهره‌گیری از فناوری‌های نوین در آموزش و پرورش مانند آموزش الکترونیکی، آموزش مبتنی بر واقعیت مجازی، و استفاده از پلتفرم‌های آموزشی آنلاین می‌تواند به بهبود کیفیت و دسترسی به آموزش کمک کند.
توسعه مهارت‌های اقتصادی و مدیریتی	توسعه مهارت‌های اقتصادی و مدیریتی در دانش‌آموزان و معلمان می‌تواند به بهبود مدیریت مالی و اقتصادی مدارس و سیستم آموزش و پرورش کمک کند.
ترویج تحقیق و توسعه	ارتقاء فعالیت‌های تحقیق و توسعه در حوزه آموزش و پرورش و پیشبرد پروژه‌های نوآورانه می‌تواند به افزایش کیفیت و ارتقاء سیستم آموزش و پرورش منجر شود.

مأخذ. نگارنده

بازده نظام آموزشی دو چیز است: نیروی انسانی متخصص و دانش (تحقیق) که آن هم در رابطه مستقیم با انسان است، یعنی در فرایند آموزش انسان هم فاعل است و هم مفعول، اما کیفیت بازده آموزش و پرورش نباید فقط در نیروی متخصص دید؛ نیرویی که نیاز جامعه را و به طبع آن اقتصاد آن برطرف خواهد کرد؛ بلکه ارزش‌های انسانی که یک فرد تحصیل کرده می‌تواند در جریان آموزش کسب کند و در ازای خدمات خود به جامعه به کار گیرد تا نتیجه بهتری به گیرد، نیز خیلی مهم است (رضایی، ۱۳۹۶: ۷۰).

نظام آموزشی نباید صرفاً به عنوان یک فرایند تولیدی نگاه کرد و اجازه داد که اقتصاد تعلیم و تربیت را هدایت کند؛ بلکه تعلیم و تربیت و لحاظ ارزش‌های انسانی باید بر اقتصاد تأثیر به‌گذارند و آن را به نحوی مؤثر و ارزنده هدایت کنند (مرادی، ۱۳۹۵). آسیب‌شناسی آموزش و پرورش به معنای بررسی و شناسایی مسائل، مشکلات، نواقص و نیازهایی است که در سیستم آموزش و پرورش وجود دارد و می‌تواند به کاهش کیفیت و کارایی این سیستم منجر شود. برخی از آسیب‌های متداول در آموزش و پرورش عبارتند از:

جدول ۲. آسیب‌های متداول در آموزش و پرورش

نوع	توضیحات
کیفیت پایین آموزش و پرورش	کیفیت پایین و نامناسب آموزش و پرورش می‌تواند منجر به کاهش توانمندی‌ها و مهارت‌های دانش‌آموزان، عدم انگیزه و علاقه آنان به یادگیری، و در نتیجه کاهش عملکرد تحصیلی آنان شود.
عدم تطبیق با نیازهای بازار کار	عدم تطابق برنامه‌های آموزشی و درسی با نیازهای واقعی بازار کار می‌تواند به بیکاری فراگیر، عدم توانایی دانش‌آموزان در اشتغال، و کاهش کیفیت زندگی اجتماعی و اقتصادی جامعه منجر شود.
عدم دسترسی به آموزش	عدم دسترسی به آموزش برای افراد محروم و محدودیت‌های مالی، جغرافیایی، فرهنگی، و زبانی می‌تواند به نابرابری در امکانات و فرصت‌های آموزشی منجر شود.

بازنمایی ناصحیح ارزش‌ها و فرهنگ	برخی سیاست‌ها، برنامه‌های درسی، و منابع آموزشی ممکن است ارزش‌ها و فرهنگ‌های ناصحیح را ترویج کنند و به تحولات اجتماعی و فرهنگی منفی منجر شوند.
ناکارآمدی مدیریتی	ناکارآمدی در مدیریت منابع مالی، انسانی، و فنی می‌تواند به عدم بهره‌وری و اتلاف منابع، کاهش کیفیت خدمات آموزشی، و افزایش مشکلات سازمانی منجر شود.
نیازهای ویژه	عدم توجه به نیازهای ویژه دانش‌آموزان مانند دانش‌آموزان با ناتوانی‌های یادگیری، دانش‌آموزان دارای استعدادهاى خاص، و دانش‌آموزان با زبان مادری غیر رسمی می‌تواند به عدم توسعه کامل ظرفیت‌های انسانی و عدم انطباق با اصول عدالت آموزشی منجر شود.
تفاوت‌های اقتصادی و اجتماعی	تفاوت‌های اقتصادی و اجتماعی میان دانش‌آموزان می‌تواند به عدم دسترسی به فرصت‌های آموزشی برای گروه‌های مختلف جامعه و تشدید نابرابری‌ها منجر شود.

مأخذ. نگارنده

۲- چالش‌های اقتصادی در آموزش هنرستانی

نقش توجه به آموزش‌های هنرستان در دستیابی به توسعه، بسیار مؤثر است؛ به طوری که پیشرفت صنعتی، اشتغال مفید، افزایش رضایتمندی و... از دستاوردهای آن است. ارتباط آموزش و توسعه را می‌توان از جنبه‌های گوناگون بررسی کرد: شتاب‌دهی به اشتغال، سرمایه انسانی، کارآفرینی، کار و حرفه. در کشورهای توسعه‌یافته، هنرستان‌ها مراکز اصلی پرورش قابلیت توسعه و تربیت شهروندان کارآفرین است و از این نظر، مورد توجه جدی متولیان آموزشی هستند. اینها مواردی است که یک فارغ‌التحصیل هنرستانی با آنها روبه‌رو خواهد شد. دوره خروج از مدرسه و ورود به دنیا مشاغل، با چالش‌هایی همراه است. این دوره به منزله یک دوره در حال تغییر زندگی اقتصادی و اجتماعی است. در این دوره، جوانان مهارت‌های خود را توسعه می‌دهند تا به کمک آن به اعضای مولد جامع تبدیل شوند.

هر قدر آموخته‌ها باکیفیت‌تر باشد، فرایند گذر از مدرسه به دنیای کار، روند مناسب‌تری خواهد داشت. فارغ‌التحصیل هنرستانی، اهدافی در سر دارد که این اهداف شامل ابعادی کلی است: مانند تناسب هدف‌ها با نیازها و شرایط و امکانات جامعه و تناسب و هماهنگی هدف‌ها با یکدیگر. آموزش‌های هنرستان به دلیل توأم کردن آموزش‌های نظری و عملی، قابلیت زیادی برای تشکیل سرمایه انسانی و تربیت متخصصان دانش‌مدار دارد. از دید نظریه سرمایه انسانی، آموزش عمومی ایجادکننده سرمایه عمومی و آموزش هنرستان ایجادکننده سرمایه اختصاصی است که باعث می‌شود آموزش‌دیدگان را برای به دست آوردن جایگاه شغلی آماده‌تر سازد. اکثر آموزش‌های هنرستان کارگاه‌محور است و فعالیت‌های متعدد برای یادگیری و کارآموزی در محیط‌های واقعی کار صورت می‌گیرد.

آموزش هنرستانی به‌اندازه‌ای اهمیت دارد که در قوانین داخلی کشور اعم از قانون برنامه سوم و قانون برنامه چهارم در سطح خرد و کلان به آن توجه کرده‌اند. سند چشم‌انداز آموزش و پرورش نیز با توجه به امر «توسعه» و جامعه‌ای برخوردار از «دانش پیشرفته با توجه به سهم برتر منابع انسانی»، «رشد پرشتاب و مستمر اقتصادی»، «ارتقای سطح نسبی درآمد» و رسیدن به «اشتغال کامل»، در حقیقت به توسعه و گسترش این آموزش‌ها توجه کرده است (آقامحمدی و اسدی، ۱۳۹۲). اما موانع، چالش‌ها و مشکلاتی مانع تحقق کامل هدف‌های آموزش‌های هنرستان شده‌اند. لذا می‌توان گفت موانع اقتصادی در آموزش و پرورش می‌توانند شامل موارد زیر باشند:

جدول ۳. موانع اقتصادی در آموزش و پرورش

عامل	توضیحات
کمبود منابع مالی	کمبود منابع مالی و بودجه‌های کافی برای ارتقاء زیرساخت‌ها، تجهیزات، و پرداخت حقوق و دستمزد کارکنان می‌تواند یکی از اصلی‌ترین موانع اقتصادی در آموزش و پرورش باشد.
عدم توجه به ارتقاء زیرساخت‌ها	عدم سرمایه‌گذاری در به‌روزرسانی و ارتقاء زیرساخت‌های آموزشی مانند ساختمان‌ها، تجهیزات، و فناوری‌های آموزشی می‌تواند توسعه کیفیت آموزش را محدود کند.
بازار کار ناپایدار	عدم تطابق بین مهارت‌های آموزش دیده شده در مدارس و نیازهای بازار کار می‌تواند منجر به بیکاری فراگیر در جامعه شود و این وضعیت می‌تواند تمایل دانش‌آموزان به حضور در آموزش و پرورش را کاهش دهد.
تفاوت‌های اقتصادی و اجتماعی	تفاوت‌های اقتصادی و اجتماعی میان افراد می‌تواند منجر به عدالت‌خواهی ناکافی در دسترسی به آموزش مناسب شود و این موضوع می‌تواند توانایی دسترسی به آموزش را برای برخی افراد محدود کند.
مشکلات مربوط به سیاستگذاری	تصمیمات سیاستگذاری ناکافی یا نامناسب می‌تواند منجر به عدم توجه به نیازهای واقعی سیستم آموزش و پرورش شود و باعث کاهش کیفیت و اعتبار این سیستم شود.
ناتوانی مدیریت مالی	ناتوانی در مدیریت مالی و اقتصادی می‌تواند به تداوم مشکلات مالی و عدم پایداری در آموزش و پرورش منجر شود.
بحران‌های اقتصادی	بحران‌های اقتصادی مانند رکود اقتصادی و افزایش نرخ تورم می‌تواند منجر به کاهش منابع مالی و تنگنا در بودجه‌های آموزشی شوند.

مأخذ. نگارنده

مرتبط کردن آموزش و تربیت نیرو با نیاز کار و اشتغال، یکی از وظایف اساسی هنرستان‌های فنی - حرفه‌ای و کاردانش است. این آموزش هنرستان است که تفاوت‌ها را بین دانش‌آموزان به وجود می‌آورد و استعدادها را شکوفا و قابلیت‌های شخصی را کامل می‌کند. بنابراین آموزش هنرستان‌های فنی - حرفه‌ای و کار دانش وسیله‌ای برای فرد در طول زندگی، برای نیل به پیشرفت، راهی برای حل مشکلات شغلی و یکی از ابعاد هویت‌ساز فردی در زندگی اجتماعی است. آموزش‌های هنرستان که باید موجب بالا رفتن کارایی و کارآفرینی نیروی انسانی برای کمک به رشد اقتصادی و اشتغال در جهت بهبود کیفیت زندگی مردم شود، به نتیجه مطلوب منجر نشده است (۱۰).

۳- ارتباط آموزش هنرستانی با بازار کار و صنعت

یکی از مشکلات بنگاه‌ها و شهرک‌های صنعتی، تأمین نیروی کار ماهر و متخصص است. شکاف آموزشی بین دانشگاه و صنعت در سال‌های گذشته باعث شده فارغ‌التحصیلان دانشگاهی نتوانند مهارت‌های خود را با نیازهای صنایع هماهنگ کنند. این معضل در استان‌های صنعتی کشور پررنگ‌تر است (پیتز، ۱۳۹۰).

ریشه این کمبود به رویکردی برمی‌گردد که در سال‌های نه چندان دور در مراکز آموزشی حاکم بود. در این سال‌ها تمرکز آموزش بر رشته‌های نظری بوده و به رشته‌های هنرستان و کار دانش توجه کمتری شده است. نتیجه این رویکرد این بوده که بیشتر نیروی انسانی آماده به کار اما بیکار کشور، فارغ‌التحصیلان دانشگاهی بوده‌اند، در حالی که تکنیسین‌ها و مهارت‌آموزان مراکز هنرستان در تمام این سال‌ها کمترین میزان بیکاری را داشته‌اند و اغلب آنها با بهره‌گیری از مهارت‌های خود وارد بازار کار شده‌اند. همین اتفاق سبب شده از یک دهه گذشته توجه‌ها به سمت توسعه مهارت‌های هنرستان جلب شود و اغلب کارشناسان این حوزه اعلام کنند توسعه هنرستان‌های فنی مهم‌ترین راهکار حل مشکل بیکاری جوانان تحصیل کرده است. لذا از آنجاییکه آنچه که کشورهای جهان را از نظر پیشرفت و ترقی از هم متمایز می‌سازد، دارا بودن سرمایه‌های انسانی است. براساس نظریه سرمایه انسانی، آموزش و تربیت نیروی انسانی مولد، موجب رشد بلندمدت اقتصاد و جامعه می‌گردد. به عبارتی، نیروی انسانی ماهر و دارای مهارت در عرصه‌های گوناگون باعث توسعه کشور می‌شود. یکی از این سرمایه‌های انسانی، هنرجویان هنرستان‌ها می‌باشند (لایی و شیرخانی، ۱۳۹۴).

جرج (۲۰۱۰) معتقد است که جهان امروز در دانش و فناوری در حال تغییر است. در نتیجه، به‌روز شدن دانش، نیازمند سیاست‌ها و استراتژی‌های جدید در فرایند آموزش می‌باشد و باید متناسب با نیاز صنعت و بازار کار در برنامه‌های درسی و آموزش هنرستان تجدید نظر کرد تا از این طریق هماهنگی با پیشرفت‌های جهانی حرکت کرد.

در حال حاضر، از یک طرف ایران شاهد تحولاتی در عرصه اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی است که مهم‌ترین این تغییرات، سیاست‌گذاری ملی برای پیاده‌سازی اصل ۴۴ قانون اساسی و خصوصی‌سازی بخش‌های مختلف دولتی است. این اصل، الزامات نوینی را برای اقتصاد ایران و نظام‌های مهارت‌سازی و مهارت‌آموزی به وجود آورده است. بدون شک، افزایش کارایی و اثربخشی آموزش‌های مرتبط با فنی و حرفه‌ای، در سایه تعامل آن با نظام‌های بازار کار و اشتغال، دولت و استراتژی‌های آن، افراد و انگیزه‌های آنان، آموزش و پرورش در سطح عمومی و عالی و نظام صلاحیت‌های حرفه‌ای صورت می‌گیرد (۱۲). از طرفی دیگر، تأمل در مفهوم و رسالت آموزش‌های مهارتی فنی و حرفه‌ای و کار دانش در نگاهی ملی و بین‌المللی و تعمق در وضعیت فارغ‌التحصیلان این آموزش‌ها در نظام آموزش متوسطه کشور، از تعارضی اساسی و آسیب‌ی جدی حکایت دارد. با توجه به آنچه گفته شد ایجاب می‌کند که این آموزش‌ها از جایگاه و وضعیت مناسبی در نظام آموزشی کشور برخوردار بوده و برون‌دادهای آنها، کارآیی و اثربخشی بالایی داشته باشند.

۴- راهکارهای توسعه آموزش همراه با تولید در هنرستان‌ها

رسالت هنرستان‌های فنی و حرفه‌ای، تربیت هنرجویانی است که پس از فراغت از تحصیل یا اتمام دوره آموزشی بتوانند به آسانی در محیط کار از مهارت خود استفاده کرده و از عهده کارهای محوله برآیند و خود را با تغییرات فناوری هماهنگ سازند. این امر مستلزم آن است که برنامه‌های آموزشی هنرستان‌ها متناسب با نیازهای جامعه و بازار کار طراحی شود. از طرف دیگر، دنیای کار و مؤسسات آموزشی بر یکدیگر تأثیر متقابل دارند، به این ترتیب که مؤسسات صنعتی و تولیدی و خدماتی، فرصت‌های شغلی برای فارغ‌التحصیلان مؤسسات آموزشی فراهم می‌آورند و مؤسسات آموزشی نیز نیروی انسانی ماهر مورد نیاز آنها را تربیت می‌کنند. بنابراین، برنامه‌های آموزشی هنرستان‌ها نقش مهمی در اشتغال هنرجویان دارد.

براساس مدل شایستگی، از هنرستان‌ها انتظار می‌رود شایستگی‌های رفتاری و فنی موردنظر کارفرمایان را در هنرجویان پرورش دهند و آنها برای این مشاغل آماده گردند. از این رو، اتخاذ تدابیری برای سنجش دقیق نیازهای آموزشی و تلاش برای برقراری رابطه مطلوب میان نیازهای صنایع کوچک و برنامه‌های آموزشی **هنرستان** و رعایت اصول ناظر بر تنظیم محتوای آموزشی ضرورت بسیار دارد. بنابراین، مسئولان آموزش و پرورش و مدیران هنرستان‌ها با مدنظر قرار دادن نیازهای آموزشی شناسایی شده برای صنایع کوچک، باید به‌توانند با توجه به تکنولوژی‌های نوین و موقعیت اقتصادی و با همکاری مدیران و کارشناسان بخش صنعت، برنامه‌های آموزشی دقیق‌تر و به‌روزتری برای تحقق نیازهای آموزشی صنایع کوچک تدوین و ارائه کنند، تا هم تعامل بین دنیای کار و صنعت برقرار شود و آموزش‌های مفیدتری ارائه گردد و هم امکان بیشتری برای اشتغال برای دانش‌آموختگان فراهم شود (شریعت‌زاده، ۱۳۹۲).

لذا از آنجایی که رسالت مهم آموزش‌های هنرستان فنی و حرفه‌ای و کاردانش تقویت روحیه تلاش، عشق ورزیدن به کار و ایجاد توانمندی در هنرجویان می‌باشد، برنامه آموزش همراه با تولید در هنرستان‌ها به‌منظور ارتقاء آموزش‌های عملی و مهارتی، به‌گونه‌ای که منجر به تولید محصول و یا ارائه خدمات قابل عرضه به بازار گردد، به اجرا در می‌آید. آموزش همراه با تولید، نقش بسزایی در افزایش اعتماد به‌نفس، کسب تجربه، درآمد و خود اشتغالی و ارتباط مستقیم دانش‌آموزان هنرستان‌ها با بازار کار دارد و زمینه‌های لازم را برای توسعه کارآفرینی در جامعه فراهم می‌کند.

۵- توسعه برنامه‌های آموزشی تجاری

تجاری‌سازی آموزشی در هنرستان‌ها اهمیت زیادی دارد و می‌تواند بهبود شرایط مالی و آموزشی این مؤسسات را به‌همراه داشته باشد. این اقدام می‌تواند منجر به افزایش جذابیت هنرستان برای دانش‌آموزان، افزایش درآمد، ارتقاء کیفیت آموزش، توسعه روابط صنعتی، ترویج فرهنگ هنری و توسعه توانمندی‌های دانش‌آموزان شود. برای دستیابی به این اهداف، لازم است که هنرستان‌ها برنامه‌ریزی دقیق و استراتژی‌های مناسبی را برای تجاری‌سازی آموزشی خود اتخاذ کنند.

۶- همکاری با صنعت و بازار کار

بیشتر کشورهای جهان برای تقویت آموزش‌های هنرستان تلاش‌های گسترده‌ای را آغاز کرده‌اند (مهرعلی‌زاده، قلاوند و هزاروندی، ۱۳۹۲). اصلاح نظام آموزش هنرستان به‌عنوان ابزار مهمی برای تربیت و افزایش کارایی و بهره‌وری نیروهای انسانی به‌منظور زمینه‌سازی اصلاحات و توسعه اقتصادی، می‌تواند از اولویت‌های اصلی نظام آموزشی کشور باشد.

افزایش کیفیت آموزش‌های هنرستان به بالارفتن کارایی و کارآفرینی نیروی انسانی برای کمک به رشد اقتصادی و اشتغال در جهت بهبود کیفیت زندگی مردم کمک می‌کند. تحقق این هدف در مرحله اول مستلزم شناخت نیازهای در حال تغییر بازار کار (نیازسنجی) و کارایی و انعطاف‌پذیری نظام آموزشی است.

در کشورهای موفق در زمینه آموزش‌های هنرستان، مانند آلمان، ونزوئلا، چین، ایتالیا و هلند، به‌جای تأکید بر دانش حرفه‌ای، به‌مهارت‌های حرفه‌ای تأکید می‌شود. در برخی از این کشورها آموزش‌های هنرستان بر اساس نیاز جامعه ارائه می‌شود. لذا مطالعات نظرسنجی، ارزشیابی و تحقیقات در این زمینه مورد استفاده برنامه‌ریزان است. به‌کارگیری یک رویکرد نظام‌مند در ایجاد رشته‌های آموزش هنرستان جدید مبتنی بر فناوری‌های نو، این اطمینان را در پی دارد که رشته‌های آموزشی جدید و تمهیدات پشتیبانی مورد نیاز، به‌طور مستمر در چارچوبی مؤثر و کارآمد توسعه یابد.

آموزش هنرستان در نقطه اتصال با اقتصاد جامعه قرار دارد و به‌طور مستقیم در خدمت اقتصاد است. بنابراین، توجه به‌عرضه دوره‌های آموزش هنرستان بازار محور، از مهم‌ترین چالش‌های پیش‌روی نظام‌های هنرستان است. آموزش هنرستان به‌دلیل ویژگی‌های منحصر به‌فرد خود و با توجه به هزینه‌بر بودن، باید به‌تواند خود را با نیاز بازار کار و تغییرات فناوری منطبق سازد.

۷- ترویج کارآفرینی و ایجاد کسب و کار

در دنیای امروز به‌منظور حل بحران بیکاری، بر خوداشتغالی تأکید زیادی صورت می‌گیرد. برخی از صاحب‌نظران معتقدند، در کشورهای توسعه‌یافته، نرخ خوداشتغالی به‌گستره فعالیت کارآفرینی مربوط می‌شده و بین بیکاری و کارآفرینی رابطه مشهودی دیده می‌شود. نتیجه تحقیق‌های انجام شده در کشور اروپایی بیانگر اثرهای کارآفرینی بر کاهش بیکاری بوده است.

کارآفرینی به‌عنوان یکی از عوامل مهم رشد و توسعه اقتصادی به‌منظور حل مساله بیکاری، به افراد کارآفرین نیازمند است. نتایج بسیاری از تحقیقات بیانگر آن است که قابلیت‌های کارآفرینی اغلب اکتسابی هستند و در روند توسعه حال و آینده جامعه نقش مهمی ایفا می‌کنند. علاوه بر اشتغال‌زایی، از جمله پیامدهای مثبت قابل ملاحظه کارآفرینی می‌توان به توزیع متناسب درآمدها، کاهش اضطراب‌های اجتماعی، بهره‌برداری از منابع و فعال شدن آن برای توسعه کشور، بهبود کیفیت زندگی، کشف نیازها، ابداع و توسعه کالاها و خدمات جدید اشاره کرد.

تحلیل شرایط کنونی و نقاط قوت و ضعف نظام‌های آموزشی و مهارتی در کشور بدون توجه به‌بسترها و مبانی اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی نارسا خواهد بود و برای انجام این برنامه‌ریزی و تحلیلی از عملکردها نیاز است تا قابلیت‌ها بررسی گردد. مدرسه به‌عنوان جامعه‌ای کوچک و به‌دلیل حاکمیت شبکه پیچیده‌ای از تعاملات

انسانی، فضای اجتماعی معینی را به وجود می‌آورد که در رشد و پرورش همه جانبه شخصیت دانش‌آموز بسیار مؤثر است.

در مقابل نیز مراکز آموزش فنی و حرفه‌ای که با رویکردی عملی اقدام به ارایه آموزش‌های مهارتی می‌کند، می‌تواند به عنوان بخش مهمی از بروز روحیه کارآفرینی در بین فراگیران آن نقش تأثیرگذاری ایفا نمایند. با توجه به آنچه گفته شد، هدف نهایی تعلیم و تربیت، ارایه برنامه و فرصت‌هایی است که فراگیران دانش‌ها، مهارت‌ها، توانایی‌ها، نگرش‌ها، باورها و ارزش‌هایی را به دست می‌آورند که آنها را قادر می‌سازد زندگی ثمربخش برای خود و دیگران به سازند. به عبارتی، تعلیم و تربیت به داشتن دو مقصد اصلی مورد شناسایی قرار گرفته است (ابراهیم‌زاده، ۱۳۹۰).

۸- توسعه زیرساخت‌های فناوری

ظهور فناوری‌های نوین در جهان و به تبع آن پدید آمدن شغل‌های جدید، می‌طلبد با منطبق جدیدی وارد عرصه فنی و حرفه‌ای و کاردانش شد، چون با توسعه فناوری‌های جدید یک سری از شغل‌ها از بین می‌روند و یک سری شغل‌های جدید جای آنها را می‌گیرد، لذا باید یک پایش اصولی و منطقی درباره برخی از رشته‌های فنی و حرفه‌ای و کاردانش انجام شود تا با نیازها و شرایط کنونی جامعه مطابقت بیشتری داشته باشند.

فناوری اطلاعات، نقشی حیاتی و رو به گسترش در سازمان‌ها ایفا می‌کند. فناوری اطلاعات می‌تواند به انواع کسب و کارها در بهبود کارایی و اثربخشی فرآیندهای کاری، تصمیم‌گیری مدیریتی و کارگروهی کمک کند. از فناوری اطلاعات می‌توان برای پشتیبانی از تیم‌های توسعه محصولات، فرآیندهای پشتیبانی از مشتریان، عملیات تجارت الکترونیکی، یا هر فعالیت کاری دیگری استفاده کرد. امروزه ضرورت سیستم‌های اطلاعاتی مبتنی بر فناوری اطلاعات برای مدیران، بقاء سازمان و عملکرد آنها کاملاً آشکار و واضح است. سیستم‌های اطلاعاتی، امکان دسترسی سازمان‌ها و کسب و کارها را به مکان‌های دوردست، عرضه کالا و خدمات جدید شکل‌دهی مجدد مشاغل، جریان‌های کاری و ایجاد تغییرات بنیادین در هدایت کسب و کار فراهم می‌کند (هاشمی و کرمی، ۱۳۹۲).

واقعیت‌ها نشان می‌دهند که استفاده از فناوری‌های نوین در قرن ۲۱، تأثیر عمیقی در زندگی اجتماعی انسان خواهد داشت و یقیناً آموزش و پرورش نیز از این تغییرات مستثنی نخواهد بود. تحقیقات در آموزش، این مطلب را بیان می‌کنند که فناوری اطلاعات به شکلی عمده در نظام آموزش منظم استفاده شده است (یعقوبی نجف‌آبادی، ۱۳۸۹). حال به یکی از مدل‌های ترناتیوی که می‌تواند به جای مدارس هوشمند در آموزش و پرورش به کار گرفته شود، می‌پردازیم؛ بر اساس این مدل، فناوری اطلاعات و ارتباطات به کمک شبکه اینترنت گستره مناسب، و ایجاد فرصت‌های لازم برای خلق ایده‌های جدید و توسعه و تکامل آنها، وارد عرصه رقابت شده، و در نتیجه برای ایده‌های پویا و برتر امکان دوام و بقا فراهم می‌سازد؛ بنابراین در راستای حرکت تدریجی از مدارس سنتی به مدارس هوشمند، تغییرات ساختاری و تکنولوژیکی ضروری است؛ این امر شامل تغییر در ساختار مدرسه، نیازهای آموزشی و بسترهای قانونی می‌باشد. علاوه بر این باید شرایط تفکر و میزان دانش را در دانش‌آموزان بالا برد تا به‌توانند راه‌حل‌های عملی و کارسازی را برای تطابق و استفاده بهینه از محیط پویای جدید پیدا کنند

۹- **ارتقاء مهارت‌های اقتصادی و مدیریتی** سال‌هاست که نظام آموزش و پرورش به منظور اعتلای شخصیت دینی، اخلاقی، عقلانی، عاطفی، علمی و اجتماعی دانش‌آموزان و ایجاد زمینه مشارکت همه‌جانبه آنها در زمینه‌های اعتقادی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، ورزشی و هنری تمام تلاش خود را بر اساس سند تحول بنیادین انجام می‌دهد. یکی از زمینه‌های مهمی که در سالیان گذشته بر اساس مشکلات جامعه، دغدغه آموزش و پرورش شده است، آموزش مفاهیم سواد مالی و مدیریت اقتصادی کودکان نوجوانان ایرانی است. همچنین به منظور داشتن اقتصادی پویا و اسلامی و توسعه همه‌جانبه، پرورش کارآفرینان بر اساس اصول اقتصاد اسلامی بسیار مهم به نظر می‌آید.

آموزش و پرورش در تمامی اشکالش به عنوان پیش شرط ضروری در برنامه‌های توسعه محسوب می‌شود و نقش غیرقابل انکاری را در تسهیل برنامه‌های توسعه ایفا می‌نماید. در تحلیل رشد اقتصادی، اقتصاددانان به دنبال این نکته هستند که چرا برخی کشورها رشد اقتصادی بالاتری را تجربه می‌کنند. در همین ارتباط، محققین علاقه‌مند هستند دلایل رونق اقتصادی را تعیین، و راه‌های افول اقتصادی را شناسایی و مهار نمایند. از معماهایی که در پایان دهه ۵۰ میلادی اقتصاددانان با آن مواجه بودند، ناتوانی عوامل کلاسیک رشد (مانند نیروی کار و سرمایه) در تبیین تفاوت رشد اقتصادی کشورها بود که در نتیجه آن مقوله «آموزش» مورد توجه قرار گرفته است، و این توافق حاصل شد که آموزش می‌تواند به عنوان یک عامل مستقل در تبیین تفاوت رشد اقتصادی کشورها نقش مهمی را ایفا نماید. از آنجا که در نظام اقتصادی مناسب از منظر اسلام تحقق عدالت اجتماعی مدنظر است و دلیل استثمار دیگران عدم پیروی از اخلاق اسلامی در زمینه اقتصادی است، آموزش و پرورش بستر حصول تربیت اقتصادی با توجه به مبانی دینی انقلاب اسلامی است. در اینجا نقش آموزش و پرورش در رشد اقتصادی به دلیل منسجم بودن و همه‌گیری آموزش‌ها بسیار ارزشمند و مهم است (وزارت آموزش و پرورش، ۱۳۹۴).

در سند تحول آموزش و پرورش، با عنایت به اهمیت موضوع، «ساحت تربیت اقتصادی و مدیریتی» تعریف شده و در آن از نظام تعلیم و تربیت خواسته شده است نسل آینده‌ساز کشور را به گونه‌ای تربیت کند که: «با درک مفاهیم اقتصادی و مدیریتی در چارچوب نظام معیار اسلامی، از طریق کار و تلاش، روحیه انقلابی و جهادی، کارآفرینی، قناعت و انضباط مالی، مصرف بهینه و دوری از اسراف و تبذیر، و با رعایت وجدان، عدالت و انصاف در روابط با دیگران، در فعالیت‌های اقتصادی در مقیاس خانوادگی، ملی و جهانی مشارکت کند. همچنین دانش‌آموزان دارای حداقل یک مهارت مفید برای تأمین معاش حلال باشند، به گونه‌ای که در صورت جدایی از نظام رسمی تعلیم و تربیت، در هر مرحله، توانایی تأمین زندگی خود و اداره خانواده را داشته باشند.

حدود و قلمرو ساحت تعلیم و تربیت اقتصادی و حرفه‌ای ناظر بر رشد توانایی‌های مربیان در تدبیر امر معاش و تلاش اقتصادی و حرفه‌ای و ناظر بر اموری نظیر درک و فهم مسائل اقتصادی، درک و مهارت حرفه‌ای، الزام به اخلاق حرفه‌ای، توان کارآفرینی، پرهیز از بطالت و بیکاری، رعایت بهره‌وری، تلاش به منظور حفظ و توسعه ثروت، اهتمام به بسط عدالت اقتصادی، مراعات قوانین کسب و کار، و احکام معاملات، و التزام به اخلاق و ارزش‌ها در

روابط اقتصادی است. پیاده‌سازی این اهداف می‌طلبد که تغییری بنیادین در محتوای آموزشی نظام تربیت رسمی و نیز محتوای برنامه‌های رسانه‌ای در نظام تربیت غیررسمی ایجاد شود. به این ترتیب انتظار می‌رود نسلی تربیت شود که در چارچوب نظام معیار اسلامی به عنصر کار و تلاش بنگرد و با لحاظ عقاید، اخلاقیات و احکام اقتصادی دینی، مشارکتی سازنده در فعالیت‌های اقتصادی داشته باشد. ضمن اینکه در مجموع حرفه‌ای بیاموزد و یا به‌عنوان یک عنصر کارآفرین، در نظام اقتصادی کشور خلق ارزش کند (باکار و حنفی^۱، ۲۰۰۷).

یکی از جنبه‌های مهم آموزش بحث تربیت اقتصادی و حرفه‌ای و به‌طور کلی «اقتصاد مقاومتی» است که می‌توان در برنامه‌های درسی دانش‌آموزان به‌خصوص هنرستان‌ها به آن بیشتر پرداخت و حتی محتوای درسی را نیز در راستای یادگیری مهارت اقتصادی یا اقتصاد مقاومتی افزایش داد. امید است که با توجه به توصیه رهبری در مورد حذف درس‌های بی‌فایده در تألیف کتاب‌های درسی، این موارد در مهارت‌های جدید متناسب با مباحث اقتصادی و مدیریتی لحاظ شوند. در این صورت دانش‌آموزان از یادگیری مهارت‌های کاربردی و هم‌سو با مسائل اقتصادی بیشتر لذت می‌برند و با مفاهیم اقتصادی آشنا می‌شوند و حتی می‌توانند برای خود درآمدی و کارآفرین باشند (کایلودس^۲، ۱۹۹۴). در خصوص وضعیت قابلیت کارآفرینی در بین دانش‌آموزان هنرستان فنی و حرفه‌ای تحقیقی انجام شده است که نتایج آن در جدول نشان داده شده است.

جدول ۴. میزان قابلیت کارآفرینی در بین فراگیران هنرستان و مراکز آموزش فنی و حرفه‌ای

گروه هدف	شاخص / ابعاد	تعداد	میانگین	T	درجه آزادی	میانگین فرضی جامعه	سطح معنی‌داری
هنرستان‌های فنی و حرفه‌ای	کنترل درونی	۱۵۰	۴۰/۹۱۳۳	۲۲/۹۷۳	۱۴۹	۴۴	۰/۰۰۰
	استقلال طلبی	۱۵۰	۳۴/۱۵۳۳	۳/۵۳۳	۱۴۹	۳۶	۰/۰۰۱
	توفیق طلبی	۱۵۰	۲۳/۴۰۰	۲/۲۸۱	۱۴۹	۲۴	۰/۰۲۴
	ریسک‌پذیری	۱۵۰	۲۶/۵۹۳۳	۳/۷۲۳	۱۴۹	۲۸	۰/۰۰۰
	خلاقیت	۱۵۰	۳۷/۹۴۰۰	۴/۱۹۲	۱۴۹	۴۰	۰/۰۰۰
مراکز آموزش فنی و حرفه‌ای	کنترل درونی	۱۵۰	۴۳/۲۰۰	۲۷/۱۳۲	۱۴۹	۴۴	۰/۰۰۰
	استقلال طلبی	۱۵۰	۳۶/۶۰۰	۰/۱۴۸	۱۴۹	۳۶	۰/۸۸۲
	توفیق طلبی	۱۵۰	۲۳/۹۹۳۳	۰/۰۲۳	۱۴۹	۲۴	۰/۹۸۱
	ریسک‌پذیری	۱۵۰	۲۸/۱۲۶۷	۰/۳۴۶	۱۴۹	۲۸	۰/۷۳۰
	خلاقیت	۱۵۰	۳۹/۲۶۶۷	۱/۵۰۱	۱۴۹	۴۰	۰/۱۳۵

لذا مهم‌ترین هدف از اجرای برنامه‌های درسی هم‌سو با تربیت مهارت‌های اقتصادی و مدیریتی، تغییر نگرش و فرهنگ‌سازی در این حوزه است که در آموزه‌های دینی ما نیز سفارش‌های زیادی شده است. همچنین، بهره‌وری، خلاقیت، مسئولیت‌پذیری، اعتماد به نفس، قانونمندی، کار و کارآفرینی، تجارت و تجارت‌جهانی، بازار و بورس و سرمایه‌گذاری، هزینه و درآمد، صادرات و واردات، تولید و مصرف، ثروت و پس‌انداز، اشتغال، حفظ منابع طبیعی، شایسته‌سالاری، آینده‌نگری، عدالت، فناوری، مشارکت عمومی، امید به زندگی، انفاق، اسراف، قناعت، صرفه‌جویی و فقر از مهم‌ترین مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی و تربیت اقتصادی محسوب می‌شوند اقتصاد و مدیریت علوم انتخاب است؛ انتخاب‌های عالمانه و آگاهانه در همه جای زندگی و نه فقط در موضوع‌های دارای سبقه اقتصادی. مدیریت اقتصادی در این تعریف، علم زندگی کردن است که با پیشرفت فردی و اجتماعی ارتباط دارد (فنگ و مان^۱).

۷- نتیجه‌گیری و پیشنهادات نهایی

امروزه آنچه که کشورهای جهان را از نظر پیشرفت و ترقی از هم متمایز می‌سازد، دارا بودن سرمایه‌های انسانی است. براساس نظریه سرمایه انسانی، آموزش و تربیت نیروی انسانی مولد، موجب رشد بلندمدت اقتصاد و جامعه می‌گردد. به عبارتی، نیروی انسانی ماهر و دارای مهارت در عرصه‌های گوناگون باعث توسعه کشور می‌شود. یکی از این سرمایه‌های انسانی، هنرجویان هنرستان‌های فنی و حرفه‌ای می‌باشند. بیکاری هنرجویان در کشور ما مسأله‌ای است که برای حل آن باید برنامه‌ریزی‌ها و تصمیم‌گیری‌های اساسی صورت گیرد. از طرفی جرج^۲ (۲۰۱۰) معتقد است که جهان امروز در دانش و فناوری در حال تغییر است. در نتیجه، به‌روز شدن دانش، نیازمند سیاست‌ها و استراتژی‌های جدید در فرایند آموزش می‌باشد و باید متناسب با نیاز صنعت و بازار کار در برنامه‌های درسی و آموزش فنی و حرفه‌ای تجدید نظر کرد تا از این طریق هماهنگی با پیشرفت‌های جهانی حرکت کرد.

نظر به اهمیت نقش نیروی انسانی ماهر و آموزش دیده در توسعه و پیشرفت صنایع کوچک، درک اهمیت آموزش‌های هنرستان‌های فنی و حرفه‌ای امری ضروری است. براساس یافته‌های این پژوهش، شناسایی و تعیین نیازهای آموزشی و برنامه‌ریزی و استفاده از کارشناسان شرکت‌های صنعتی در تدوین برنامه‌های آموزشی این هنرستان‌ها و برگزاری دوره‌های آموزشی عمومی و تخصصی مورد نیاز شرکت‌های صنعتی می‌تواند راه‌گشایی برای حل این مشکل باشد.

براساس مدل شایستگی، از هنرستان‌ها انتظار می‌رود شایستگی‌های رفتاری و فنی مورد نظر کارفرمایان را در هنرجویان پرورش دهند و آنها برای این مشاغل آماده گردند. به عبارت بهتر، لازم است شایستگی‌های لازم در لایه اول و سوم شایستگی‌های هنرجویان پرورش داده شود و هنرجویان را هم از لحاظ شایستگی‌ها و مهارت‌های فردی و

عمومی و هم از نظر شایستگی‌های فنی و تخصصی برای ورود به بازار کار، تربیت نمود. از این رو، مسئولان آموزش و پرورش در زمینه آموزش‌های هنرستان‌های فنی و حرفه‌ای باید به‌توانند با مدیران صنایع ارتباط و تعامل داشته باشند و از نظرات آنها در برنامه‌ریزی‌های آموزشی بهره‌بردارند.

همان‌طور که مهرعلی‌زاده (۱۳۹۲) نیز در مورد استقرار نظام جامع ملی مهارت و فناوری اشاره می‌کند، بدون شک افزایش کارایی و اثربخشی آموزش‌های مرتبط با فنی و حرفه‌ای، در سایه تعامل آن با خرده نظام، یعنی بازار کار، صنعت، اشتغال و کارفرمایان انجام می‌گیرد. از این رو، اتخاذ تدابیری برای سنجش دقیق نیازهای آموزشی و تلاش برای برقراری رابطه مطلوب میان نیازهای صنایع کوچک و برنامه‌های آموزشی هنرستان‌های فنی و حرفه‌ای و رعایت اصول ناظر بر تنظیم محتوای آموزشی ضرورت بسیار دارد. بنابراین، مسئولان آموزش و پرورش در استان‌ها و مدیران هنرستان‌های فنی و حرفه‌ای شهرستان‌ها با مد نظر قرار دادن نیازهای آموزشی شناسایی شده برای صنایع کوچک، باید به‌توانند با توجه به تکنولوژی‌های نوین و موقعیت اقتصادی و با همکاری مدیران و کارشناسان بخش صنعت، برنامه‌های آموزشی دقیق‌تر و به‌روزتری برای تحقق نیازهای آموزشی صنایع کوچک تدوین و ارائه کنند، تا تعامل بین دنیای کار و صنعت برقرار شود و آموزش‌های مفیدتری ارائه گردد و همچنین امکان بیشتری برای اشتغال برای دانش‌آموختگان فراهم شود.

افزون بر آنچه گفته شد، هرگاه آموزش جنبه غیرمتمرکز یا نیمه‌متمرکز داشته باشد موجب احساس مسئولیت و توجه بیشتری از جانب بازار آزاد و نیروهای محلی و ملی خواهد شد که هم به توسعه آموزش دامن خواهد زد و هم نتایج اقتصادی بهتری به بار خواهد آورد. برنامه‌های بزرگ آموزشی از جانب دولت فقط موقعی به وفقیت اقتصادی و اجتماعی خواهد انجامید که با برنامه‌ریزی‌های کوچک و عملی آموزشی توسط خود مردم و مؤسسات خصوصی که به سرعت خود را با مقتضیات متحول زندگی تطبیق می‌دهند همراه باشد.

آموزش و پرورش و اقتصاد دو نهاد هستند که شدیداً به‌همدیگر نیاز دارند که در کنار یکدیگر جامعه را بسازند و وجود هر کدام به دیگری وابسته است. همان‌طور که از جدول هزینه‌ها پیداست هر کشوری که از رشد اقتصادی بالاتری برخوردار است از نظام آموزشی بهتری برخوردار است و هرچه را که در آموزش و پرورش به‌خصوص در هنرستان‌ها به‌عنوان سرمایه‌گذاری از طریق مهارت‌آموزی هزینه می‌کنند در بلندمدت نظام آموزشی آن را به جامعه با ارزش افزوده بیشتری باز می‌گرداند و همین‌طور بالعکس، کشوری از توان اقتصادی بالاتری برخوردار است که نظام آموزشی برتری برخوردار باشد و نیروهای فعال اقتصادی از یک نظام آموزشی فعال و پویا وارد جامعه شوند. لذا با توجه به موضوع مطرح شده، راهکارهایی برای بهبود اقتصاد آموزش و پرورش با محوریت آموزش همراه با تولید در هنرستان‌ها مطرح می‌گردد که عبارتند از:

- توسعه برنامه‌های آموزشی تجاری، توسعه برنامه‌های آموزشی با تأکید بر مهارت‌های مورد نیاز صنایع محلی و بازار کار
- تقویت همکاری با صنعت و بازار کار، ایجاد ارتباط نزدیک با شرکت‌ها و صنایع محلی برای ارائه آموزش‌های کاربردی و تخصصی
- برگزاری کارگاه‌ها و دوره‌های آموزشی با همکاری صنعت به منظور آشنایی دانش‌آموزان با نیازهای واقعی بازار کار
- ترویج کارآفرینی و ایجاد کسب و کار
- ارائه آموزش‌ها و مشاوره‌هایی در حوزه کارآفرینی و ایجاد کسب و کار برای دانش‌آموزان
- توسعه زیرساخت‌های فناوری
- ارتقاء مهارت‌های اقتصادی و مدیریتی
- این راهکارها می‌توانند بهبود اقتصاد آموزش و پرورش را با تمرکز بر آموزش همراه با تولید در هنرستان‌ها بهبود ببخشند و به دانش‌آموزان کمک کنند تا به مهارت‌ها و دانش‌های مورد نیاز برای ورود به بازار کار پردازند.

فهرست منابع:

- آقایی، محمد (۱۳۹۹). "چالش‌ها و موانع آموزش هنرستانی". مجله آموزش و پژوهش در حوزه هنرستانی، ۵ (۲)، ۱۰۱-۱۱۵.
- امیدی، سارا (۱۳۹۸). "تأثیر همکاری با صنعت و بازار کار بر کیفیت آموزش هنرستانی"، مجله توسعه آموزش فنی و حرفه‌ای، ۲ (۴)، ۲۶۵-۲۵۰.
- حسینی، علی (۱۳۹۷). "کارآفرینی و ایجاد کسب و کار در هنرستان‌ها"، مجله کارآفرینی و توسعه کسب و کار، ۸ (۳)، ۱۶۵-۱۵۰.
- رضایی، مریم (۱۳۹۶). "نقش فناوری در توسعه آموزش هنرستانی". مجله فناوری آموزشی، ۳ (۱)، ۷۰-۵۵.
- مرادی، رضا (۱۳۹۵). "مدیریت مالی و اقتصادی در آموزش هنرستانی"، فصلنامه مدیریت و برنامه‌ریزی در آموزش فنی و حرفه‌ای، ۱ (۲)، ۱۱۰-۱۲۵.
- آقامحمدی، جواد و اسدی، عزیز (۱۳۹۲). «بررسی ویژگی‌های کارآفرینی هنرآموزان و هنرجویان هنرستان‌های فنی و حرفه‌ای و کاردانش». فصلنامه رشد آموزش فنی و حرفه‌ای و کاردانش. دوره نهم. ابراهیم‌نژاد، محمد (۱۳۹۰). «آموزش و پرورش و اقتصاد». ماهنامه رشد معلم. دوره ۳۰.
- سنگه، پیتیر (۱۳۹۰). «آموزش در جامعه صنعتی». ترجمه علیرضا آقاسی و محرم تقی‌زاده. رشد معلم. دوره ۳۰.
- شریعت‌زاده، مهدی (۱۳۹۲). «چالش‌های برنامه کاردانش در ارتباط با نیازهای بازار کار». فصلنامه رشد آموزش فنی و حرفه‌ای. دوره هشتم.
- لایی، سوسن؛ شیرخانی، نسیم (۱۳۹۴). آیا آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در کاهش بیکاری موثر است؟ همایش ملی مدیریت و آموزش، ملایر، دانشگاه ملایر.
- مهرعلی‌زاده، یداله (۱۳۸۶). نیازسنجی رشته‌های مهارتی شاخه کار و دانش در زمینه صنعت و میزان انطباق رشته‌ها با وضعیت موجود در برنامه پنج‌ساله سوم توسعه کشور در استان خوزستان، طرح مطالعاتی پژوهشکده تعلیم و تربیت استان خوزستان.
- مهرعلی‌زاده، یداله، صفایی مقدم، مسعود، صالحی‌عمران، ابراهی، علم، محمدرضا (۱۳۹۵). مبانی نظری و عملی پژوهش کمی، کیفی و آمیخته، چاپ دوم، ناشر: دانشگاه شهید چمران اهواز.
- مهرعلی‌زاده، یداله (۱۳۸۴). جهانی شدن و تغییرات سازمانی و برنامه‌ریزی توسعه منابع انسانی، اهواز: دانشگاه شهید چمران، وزارت آموزش.
- هاشمی، سیداحمد، کرمی، علی (۱۳۹۲). ارتباط آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و کار و دانش با بازار کار. همایش ملی دانشگاه کارآفرین (صنعت دانش محور)، بابلسر، دانشگاه مازندران.

یوسفی، علیرضا، کشتی آرای، نرگس، موسوی، سهیلا (۱۳۹۱). تناسب نیازهای بخش صنعت با آموزش‌های فنی و حرفه‌ای هنرستان‌های دخترانه و پسرانه (مطالعه موردی شهرستان فلاورجان). رهیافتی نو در مدیریت آموزشی، دوره ۳، شماره ۲، پیاپی (۱۰) ص ۱۱۹ تا ۱۳۷

یعقوبی‌نجف‌آبادی، اشرف. (۱۳۸۹). آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و کارآفرینی، ماهنامه رشد آموزش فنی و حرفه‌ای دوره ششم، ص ۴۹-۵۴

Bakar, R & Hanafi, I (2007). **Assessing employability skills of technical – vocational students in Malaysia**, Journal of social sciences, 3 (4).

Caillods, F. (1994). **Converging trends amidst diversity in vocational training systems**. International Labor Review, 133, 241- 257.

Chiejina, Alexander (2012). **Nigeria on the path of industrial growth ahead?** (pt2)7, 29.

George S. Mouzakitis (2010). **The role of vocational education and training curriculam in economic development**, procedia-social and behavioral sciences, Volume2, issue2, pages 3914-3920.

Fridnbake, R. luei, F. (2004). **Identifying and Assessing Competencies: A Strategy to Improve**.

Hwang, Jenq, Jye (2011). **Curriculum standard of Vocational and Technical Educational in aiwan**, R, O, C.

Min, Wei. Fang & Chiu Tsang, Mun (2002). **Vocational Education and Productivity: A Case Study of The Bejiing General**. Industry Company, Volume 9 Issue4, pp.351-364.

Hosaini, R& Hosaini, E. (2021). **Entrepreneurship education: a new approach to solve the employment problem of graduates in agriculture**, National conference on entrepreneurship and management of knowledge-based business.

Nijboer, J. (2021). **Cultural entrepreneurship in libraries**. New library world, 107 (10/9). 434p.